

## ضرورت تصحیح مجدد تفسیر سوره آبدی

اکرم السادات حاجی سیدآقایی\* (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران)  
محمدحسن حسن‌زاده نیری\*\* (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران)  
علی اشرف صادقی\*\*\* (استاد گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

چکیده: تفسیر سوره آبدی (سورابانی)، معروف به تفسیرالتفاسیر، تفسیری است فشرده و کامل از قرآن مجید به زبان فارسی، اثر ابوبکر عتیق نیشابوری، که در حدود ۴۷۰ تا ۴۸۰ هجری تألیف شده است. قصه‌ها، بخش‌ها، نسخه‌ها و سرانجام کل این اثر به صورت‌های گوناگون انتشار یافته و صورت کامل آن در پنج مجلد، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی در سال ۱۳۸۱ به طبع رسیده است. در این مقاله کوشیده‌ایم کاستی‌ها و اشکالات این تصحیح را نشان دهیم و ضرورت تصحیح دوباره آن را یادآور شویم. در این راستا، افزون بر متن چاپی سیرجانی، از سه نسخه قویه (مورخ ۷۲۳ تا ۷۲۵)، دیوان هند (مورخ ۷۳۰) و لاییدن (مورخ ۷۶۹) بهره برده‌ایم و نشان داده‌ایم که ناشناخته بودن نسخه یا نسخه‌های اساس، معرفی نشدن نسخه‌ها و ویژگی‌های آن‌ها، نامعلوم بودن شیوه تصحیح و انتقادی نبودن آن، ناقص ماندن بخش نسخه‌بدل‌ها، بی‌توجهی به تحولات آوایی و ضبط واژه‌های مشکوک، افتادگی‌ها و بدخوانی‌ها و برخی لغزش‌ها در تصحیح واژه‌های کم‌کاربرد مهم‌ترین اشکالات این چاپ بوده است. این ایرادات به حدی است که معنی و مفهوم برخی واژه‌ها دگرگون شده و با آنچه مؤلف درصدد بیان آن بوده اختلاف پیدا کرده است. کلیدواژه‌ها: تفسیر سوره آبدی (سورابانی)، ابوبکر عتیق نیشابوری، سعیدی سیرجانی، تصحیح متن، نسخه‌شناسی.

### مقدمه

تلاش ایرانیان مسلمان برای درک و دریافت محتوای قرآن از صدر اسلام آغاز شده بود، اما ترجمه و تفسیر آن به زبان فارسی از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری رونق یافت. عمده‌ترین ترجمه‌ها و تفسیرها به زبان فارسی در سده‌های چهارم تا ششم تألیف شده‌است. از جمله این تألیفات ها ترجمه و تفسیر سوره‌آبادی (سورابانی) معروف به تفسیرالتفسیر است که در میان تفسیرهای تاریخ‌دار فارسی پس از ترجمه تفسیر طبری (تألیف حدود ۳۵۰ قمری) و تاج‌الترجم فی تفسیر القرآن للاعاجم تألیف شاهفور اسفراینی (درگذشته ۴۷۱ ق) قرار می‌گیرد و از جهت ترتیب تاریخی، سومین تفسیر کامل فارسی است که در حدود ۴۷۰-۴۸۰ ق تألیف شده، مؤلف آن ابوبکر عتیق نیشابوری، معروف به سوره‌آبادی است. از زندگی و آثار دیگر وی چندان اطلاعی نداریم، جز اینکه سال فوت وی ۴۹۴ هجری است. نثر این کتاب از جمله نثرهای شیوای زبان فارسی در نیمه دوم سده پنجم هجری است و مانند دیگر کتاب‌های نظیر خود از لحاظ انشا، دستور زبان، جمله‌بندی و واژه‌های کهن فارسی برای پژوهشگران اهمیت فراوان دارد و از آنجاکه نویسنده، برای پرهیز از گمراه ساختن خواننده، مقید بوده در ترجمه هر لغت، واژه‌ای را به کار برد که معنای صحیح و بی‌کم‌وکاست متن عربی را برساند و کلمه و ترکیبی درست و دقیق به دست خواننده بدهد، کتاب او در حکم فرهنگ فارسی گرانمایه و اثرگذاری شده‌است. تفسیر سوره‌آبادی از جهت زبانی حائز اهمیت فراوان است؛ زیرا متنی است به زبان ساده که برای مخاطبان عام نوشته شده و فاقد پیرایه‌های متون هم‌عصر خود و پس از خود است، نیز به سبب در بر داشتن خصوصیات طبیعی نثر فارسی و ویژگی‌های زبان و گویش محلی مؤلف، منبع گران‌بهایی برای پژوهش در پیشینه زبان فارسی و دستور تاریخی این زبان است. در این کتاب گونه‌های زبانی و واژه‌ها و ساخت‌واژه‌های خاص به کار رفته‌است.

ارجمندی و اعتبار این متن را از اقبالی که مترجمان و کاتبان و نویسندگان بدان داشته‌اند به خوبی می‌توان دریافت. از این متن نسخه‌های متعددی در دست است که نشانه‌ای بر شهرت و رواج آن است. بیشتر این نسخه‌ها ناقص است و تنها بخشی از کل تفسیر را شامل می‌شود. یحیی مهدوی از هجده دست‌نویس ناقص و کامل این کتاب خبر داده و شانزده نسخه را به اجمال معرفی کرده. بیشتر این نسخه‌ها ناقص است و هرکدام تنها بخشی از کل تفسیر را شامل می‌شود.

### بحث

تفسیر سوره‌آبادی به صورت کامل در پنج مجلد، که چهار جلد آن کل متن و جلد پنجم اختلاف نسخه‌های دو جلد اول و دوم است، به تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی در ۱۳۸۱، پس از مرگ

مصحح، منتشر شده است. کتاب فاقد مقدمه است و در پایان آن نیز فهرست مطالب، نمایه اصطلاحات و واژگان، نمایه کسان و فهرست منابع وجود ندارد و تاکنون نیز تحقیق جامعی درباره این متن انجام نشده است؛ بنابراین، بررسی ویژگی‌های زبانی و شناساندن واژه‌های این متن از ضروریات است.

بررسی‌های ما نشان داده که علاوه بر ناتمام بودن چاپ این متن، می‌توان در مواردی، به روش تصحیح کتاب ایراداتی نیز وارد کرد. این تصحیح براساس دست‌نویس‌های استفاده‌شده ناقص و غیردقیق و ناروشمند است. چند مورد از دلایل کار بر روی این متن در ادامه ذکر می‌شود:

۱. ناشناخته بودن نسخه اساس: با همه کوششی که برای شناخت نسخه اساس متن تصحیح‌شده سعیدی سیرجانی به کار برده‌ایم، هنوز نتوانسته‌ایم آن را شناسایی کنیم. البته براساس قرائنی می‌توان گفت احتمالاً مصحح نسخه‌های چندگانه را اساس کار خود قرار داده است. تاکنون همه نسخه‌هایی که شناسایی کرده‌ایم ناقص و مربوط به بخش‌های گوناگون این تفسیر بوده‌اند.

۲. هریک از نسخه‌های تفسیر سوراآبادی بخشی از ویژگی‌های زبانی و تلفظی زبان قرن ششم (در خراسان) را نشان می‌دهد و از آنجاکه مصحح نتوانسته این نسخه‌ها را معرفی کند، این نسخه‌ها چنان‌که باید و شاید شناخته نشده‌اند و ویژگی‌های آن‌ها مغفول مانده است.

۳. جلد پنجم کتاب (ص ۲۹۰۳-۳۵۷۱) بخش نسخه‌بدل‌ها را در بر می‌گیرد. در این بخش، نسخه‌بدل‌های مربوط به جلد‌های ۱ و ۲ (ج ۲ تا ص ۱۲۷۴) ثبت شده است (البته به‌صورت گزینشی). نسخه‌بدل‌های مربوط به جلد دوم از صفحه ۳۳۰۵ شروع می‌شود. نکته اینکه بخش مربوط به نسخه‌بدل‌های جلد یک کامل است، اما نسخه‌بدل‌های جلد دوم از سوره اعراف (ص ۷۳۰) تا سوره مریم (ص ۱۴۹۹) ناتمام است. از این بخش، نسخه‌بدل‌های مربوط به صفحه‌های ۷۳۰ تا ۱۲۷۴ (کمابیش تا پایان سوره حجر) ثبت شده و از صفحه ۱۲۷۵ تا ۱۴۹۹ (حدود ۲۲۵ صفحه) بدون نسخه‌بدل است. و نکته مهم دیگر آنکه نسخه‌بدل‌های مربوط به صفحه‌های ۹۱۴ تا ۹۹۷ (= جلد ۵، ص ۳۳۹۵-۳۴۳۳)، در حروف‌نگاری دستخوش اشکال شده و درهم‌ریخته است و ستون‌ها و شماره صفحه‌ها جابه‌جا شده‌اند و استفاده از آن برای کسانی که نسخه‌های آن را در دست ندارند کمابیش ناممکن است.

۴. مصحح در برخی موارد، نسخه‌بدل‌ها را به‌صورت گزینشی آورده است. البته در این بخش موارد مهمی به چشم می‌خورد، اما اشکالاتی نیز قابل ذکر است.

۵. مقابله متن چاپی (بخش نسخه بدلها) با تصویرهای سه نسخه قونیه، لایدن و دیوان هند، که از نسخه‌های مورد استفاده مصحح هستند،<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که در برخی موارد، ضبط‌های این نسخه‌ها در متن انعکاس نیافته‌است.

اهمیت این متن به اندازه‌ای است که نه تنها در پژوهش‌های ادبی و زبانی، بلکه می‌تواند در فرهنگ‌نویسی و واژه‌گزینی و تاریخ زبان فارسی نیز بسیار مفید باشد. از این رو، جای یک تصحیح انتقادی از کتاب و نیز تحقیق مستقل درباره آن خالی است و تصحیح انتقادی این اثر اهمیتی بیش از پیش می‌یابد. اشکال‌های این چاپ را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. شماری از واژه‌ها دستخوش تحولات آوایی شده و با شکل رایج آن‌ها تفاوت صورت پیدا کرده‌اند. با در نظر گرفته نشدن تحولات آوایی، صورت متداول آن‌ها در متن چاپی آمده‌است، بی‌آنکه از شکل اصلی واژه در نسخه یاد شود.

۲. تعدادی از واژه‌ها که به شکل کهن خود نزدیک‌اند، به شکل اصلی یا تحول یافته در این متن دیده می‌شوند و به سبب بی‌توجهی به اصل کهن، شکل درست واژه در متن ثبت نشده‌است.

۳. برخی واژه‌ها در نسخه‌ها مشکوک است. این تلفظ‌ها در متن چاپی منعکس نشده‌است.

۴. مقابله متن و نسخه‌ها نشان می‌دهد که در نقل نسخه‌های خطی به چاپی پاره‌ای اشتباهات پیش آمده و از آنجاکه ثبت این موارد می‌تواند جنبه‌های مبهمی از زبان مفسر یا کاتب تفسیر را آشکار سازد، بخشی از این نوشته به ثبت این موارد اختصاص داده خواهد شد.

۵. از دیگر موارد اشکال کار مصحح، آشنا نبودن با نظام صامت و مصوت‌های فارسی دری است که سبب شده نه حرکات واو معدوله را ثبت کند و نه فای اعجمی را.<sup>۲</sup>

از آنجاکه از نسخه اساس متن چاپی اطلاعاتی در دسترس نیست، ما در کنار بررسی مواردی از سه نسخه انتخابی خود (قونیه، لایدن و دیوان هند) از متن چاپی تصحیح شده سعیدی سیرجانی نیز استفاده و برای نمونه مواردی از آن را ذکر می‌کنیم.

### ۱. تحولات آوایی

از جمله تحولات آوایی‌ای که در این متن دیده می‌شود، حذف، اضافه، ابدال، تخفیف و اشباع است. در اینجا به بیان و توضیح تعداد محدودی می‌پردازیم که مشمول این تحولات شده و در متن چاپی منعکس نشده یا در مواردی بسیار اندک در متن چاپی انعکاس یافته:

۱. برای اطلاع از نسخه‌های مورد استفاده مصحح، ← سوراآبادی، ج ۵، بخش راهنمای نسخه‌ها. نام این نسخه‌ها عبارت است از حسین چلبی، دیوان هند، نسخه کامل، لیدن، قونیه، پیرهدایی، نسخه بریتانیا، مغنیسا. البته ذکری از نسخه اساس نیست.  
۲. می‌توان گفت بعضی از این موارد در متن چاپی تغییر داده شده و برخی ذکر نشده‌است.

## ۱-۱. حذف

### ۱-۱-۱. به‌جای/از

و بگرفت سِرِّ بَرَادِرٍ (شاید: بَرَادِرٍ) خویش را هَارُونَ همی کشید او رَا سُوی خود، تا او را بزند ا تافتگی بوذ (سوره‌آبادی ۴، برگ ۳۵ پشت؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۸۰۹)،  
اما (= از ما): أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا: ای می‌هلاک کنی ما را بدانج کردند از نادانان اما، از بَهرِ گوساله برستیدن آن قوم. (سوره‌آبادی ۴، برگ ۳۷ پشت؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۸۱۲)،  
زنان و فرزندان ایشان از پس مردان بیستادند تا مردی (در متن چاپی: مردان) احمیة ایشان را حرب به کنند (سوره‌آبادی ۴، برگ ۸۲ پشت)،  
افرود (در اصل: افزود، در ترجمه من دون): فراگرفتند دانشمندآن ایشان را و صومعه‌دارآن ایشانرا خدایان افرود خدای (سوره‌آبادی ۴، برگ ۸۵ رو؛ سوره‌آبادی ۱، ص ۹۲۷)،  
ابس (= پس) به‌جای ازپس: ما مِنْ شَقِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ: نیست هیچ خواهش‌کننده مگر پس دستوری دادن (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۱۸ رو؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۹۹۹، سطر ۲۲؛ برای شاهد‌های بیشتر، ← حاجی‌سیدآقایی ۳، ص ۱۰۹-۱۲۱).  
از موارد بالا، مورد ۳۷ پشت و ۸۵ رو در متن چاپی ثبت شده و به بقیه اشاره‌ای نشده‌است.

### ۱-۱-۲. نشتن به‌جای نشستن

مرغی بر دیوار سرآی وی نشت گفت ای زن ... (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۶ پشت)،  
ایشان در راه بنشند (سوره‌آبادی ۴، برگ ۲۱ پشت؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۷۷۶)،  
شما بعافیت و رَاحَتٌ نشته (سوره‌آبادی ۴، برگ ۴۴ پشت؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۸۲۸)،  
بویکر بنشت (سوره‌آبادی ۴، برگ ۵۷ پشت؛ برگ‌های ۵۹ پشت، ۸۹ پشت، ۹۴ پشت و ۱۰۳ رو؛ ...).  
موارد بالا در متن چاپی ذکر نشده‌است.  
در برابرِ نشسته: بر شتری سرخ نشسته بوذ (۵۸ پشت؛ برای موارد بیشتر، ← حاجی‌سیدآقایی ۲، ص ۲۳).

### ۱-۱-۳. نزدیک به‌جای نزدیک

چون که مرگش نزدیک آمد وصیت کرد (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۰۴ پشت). مصحح هیچ اشاره‌ای به این ضبط نکرده‌است. در این کلمه خوشه صامت zd به Z خلاصه شده‌است (برای موارد بیشتر، ← حاجی‌سیدآقایی ۲، ص ۱۹ تا ۲۲).

### ۱-۱-۴. حذف صامت ۲ پس از مصوت کوتاه، بلند و بین دو مصوت

اند به جای اندر (سوره‌آبادی ۴، ۲۸ رو)؛

اندونهای شما به جای اندرونهای شما (سوره‌آبادی ۴، ۹۸ رو)؛<sup>۱</sup>

اندونی به جای اندرونی (سوره‌آبادی ۴، ۱۰۸ رو)؛

چهپایان (سوره‌آبادی ۴، ۳۹ پست)؛

دُوغ به جای دروغ (سوره‌آبادی ۴، در موارد پرشمار): بدُوغ (سوره‌آبادی ۴، ۴ پست): ندانستند کسی که بخدای سوگند خورد بدُوغ (سوره‌آبادی ۴، ۴ پست)؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۷۳۸، سطر ۳). بدُوغ: خبر آن را بدُوغ داشتند (سوره‌آبادی ۴، ۳۴ پست)؛ بدوغ داشتن (همان، ۷۳ پست)؛ بدوغ داشتند (همان، ۱۰۵ رو).

شویده به جای شوریده (سوره‌آبادی ۴، ۱۳ پست)؛

فرندان به جای فرزندان (سوره‌آبادی ۴، ۶۸ پست، ۸۲ پست)؛

واژه دروغ به شکل‌های متفاوت دروغ، دوروغ و دوغ در این نسخه ثبت شده. مصحح در همه موارد، بدون ذکر اصل نسخه، واژه را به صورت متداول دروغ ثبت کرده است.

### ۱-۱-۵. حذف n پس از مصوت بلند

آبه جای آن (سوره‌آبادی ۴، ۶۴ پست)؛

ایشا به جای ایشان (سوره‌آبادی ۴، ۶۷ پست، ۶۹ رو، ۷۲ رو، ۷۳ رو، ۷۵ رو، ۹۸ رو، ۹۹ پست، ۱۰۷ رو) (مصحح چند مورد از ایشارا ثبت کرده است)؛

فلا (سوره‌آبادی ۴، ۸۹ پست)؛

همسایگا (سوره‌آبادی ۴، ۱۹ پست؛ برای حذف «ن» بعد از مصوت بلند، ← صادقی ۳، ص ۵).

### ۱-۲. اضافه

«گاهی تحت شرایطی یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود، این فرآیند را اضافه می‌خوانیم».

### ۱-۲-۱. درستوری (= دستوری)

جبرایل آمد گفت ... رسول سر برآورد درستوری که نبود (اصل: بُوَد) شما او را بکشید (سوره‌آبادی ۴، برگ ۸۴ پست). در متن چاپی چنین آمده: «رسول سر برآورد گفت دستوری نیست او را کشتن برای سخاوت او» (سوره‌آبادی ۱، ص ۹۲۳، سطر ۴).

۱. مصحح واژه‌های چهپایان، شویده و اندون را ثبت کرده، اما بقیه را نیاورده است.

## درست‌کردن کلمه نَدَدَ شَرًّا و اَوَّلِ الْبَلَدِ

مصصح این کلمه را «در + ستوری» خوانده‌است: «۳- دستوری نیست = لن: در ستوری که بود شما / کشتن = لن: بکشید / وی = لن:» (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۴۰۰).

- گفت دستوری خواستم در زیارت گور وی خدای دستوری داد انگه خواستم استغفار او را درستوری نداد گریستن من آن بود (۱۱۲ رو؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۹۸۷، سطر ۳ و ۴). مصصح اشاره‌ای به ضبط «درستوری» نکرده‌است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۴۲۹، ستون یک، ذیل ص ۹۸۶ [= ص ۹۸۷]).

### ۱-۲-۲. اندرزه (= اندازه)

و الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ: و آن نگاه‌دارنده‌گان<sup>۱</sup> اندرزه‌های خدای و فرمانه‌ها او را (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۱۲ رو؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۹۸۶، سطر ۷).

مصصح اشاره‌ای به این ضبط نکرده‌است (ص ۳۴۲۸، ستون دوم، ذیل ص ۹۸۵، که از شماره ۳ به بعد ص ۹۸۶ آغاز می‌شود). واج ۲ غیراشتقاقی در این بافت‌ها مشاهده می‌شود: بافت پس از مصوت (کوتاه یا بلند)، بافت پس از صامت لثوی و دندانی و تیغه‌ای (صادق ۴، ص ۱۶-۱).

### ۱-۲-۳. سنگالیدن (= سگالیدن)

- در غاری شدند تا در آنجا بهم سنگالند و عهد کنند (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۸ پشت؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۷۶۹، سطر ۱۴). مصصح (ص ۳۳۲۸، ستون یک) اشاره‌ای به این ضبط نکرده‌است.

- گروهی از منافقان بسنگالیدن که از پیش (= پیش) بشوند و رؤیها بر بند و بر سر آن بالا یابستند بر شتران (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۰۱ پشت). بسنجید با «گروهی از منافقان بسگالیدند که از پیش بشوند و رویها بر بندند و بر سر آن بالا بیستند بر شتران» (سوره‌آبادی ۱، ص ۹۶۲، سطر ۴ و ۵).  
نکته: از آنجاکه در بخشی از نسخه‌بدل‌ها، شماره‌های سطور به هم ریخته‌است باید گفت شمارِ سطور صحیح (به‌جای ۱۵ و ۱۶) ۴ و ۵ است.

در متن چاپی چنین آمده‌است: «۱۵- (س ۴) بسگالیدند = لن: بسگالیدن/ بندند = لن: بند؛ ۱۶- (س ۵) بیستند = هد، لن: بایستند؛ کا: بنشینند / شتران = هد: اشتران / چون = هد: تا چون» (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۴۱۸). می‌بینیم مواردی که از نسخه «لن» آمده (بسنکالیدن، رؤیها، یابستند) یا غلط نقل شده یا نوشته نشده‌است.

۱. بن = بند = ند.

- گروهی از منافقان مدینه خواستند که مکر با رسول برآرند بسنگالیدن که جمعی جدا کنیم (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۱۰ پشت؛ سوره‌آبادی ۱، ص ۹۸۱، سطر ۲۲).

مصحح این کلمه را بسگالیدن ثبت کرده است (ج ۵، ص ۳۴۲۶، ستون ۲، ذیل شماره ۲).

نکته: از آنجاکه در بخشی از نسخه‌بدل‌ها، شماره سطرها به هم ریخته است، باید گفت شمارِ سطرِ صحیح ۲۲ (به جای ۱ و ۲) است.

- می‌نویسند آنچه شما می‌سنگالید از تکذیب و انکار (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۲۲ پشت؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۱۰۰۷، سطر ۱۹). مصحح اشاره‌ای به این ضبط نکرده است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۴۳۸، ستون دوم).

«تنک‌وتا صورتی از تک‌وتا است. پدید شدن n قبل از k یا g و بعد از a در بعضی از واژه‌های دیگر فارسی دیده می‌شود: تفک - تفنگ، سگ‌سر - سنگ‌سر و غیره (صادقی ۱، ص ۳۹۰).

#### ۱-۲-۴. اشگفتی (= شگفتی)

نوح گفت أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ: ای اشگفتی کردید که آمد به شما پندی از خدای شما بر زبان مردی از شما و از جنس شما<sup>۱</sup> (سوره‌آبادی ۳، برگ ۱۷۶).

«اشگفتی» ثبت نشده است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۳۲۴، پانوشت مربوط به صفحه ۷۶۲).

#### ۱-۳-۱. ابدال

##### ۱-۳-۱. ا نشان به جای ایشان

جون ندانستند انشانرا بدان مواخَذت بُود (سوره‌آبادی ۴، برگ ۵۱ رو؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۸۴۷، سطر ۱)، گفتی که انشانرا سوی مرگ می‌رانندی (همان، ۶۳ پشت؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۸۷۴، سطر ۱۹). مصحح این دو مورد را ثبت نکرده است. کلمه ا نشان (= ایشان) در ترجمه تفسیر طبری و تفسیر ابوالفتوح نیز دیده می‌شود (← صادقی ۵، ص ۳۵۳). مراحل ابدال ایشان به انشان چنین است: (صورت پهلوی) awēšān → ēšān → eššān → enšān (← حاجی سیدآقایی ۱، ص ۲۸).

#### ۱-۳-۲. نپشت (= نپشت)

آن عقوبت که ایشان را نپشت است (سوره‌آبادی ۴، برگ ۷ رو؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۷۴۶، سطر ۱۲): مصحح در صفحه ۳۳۱۵ ثبت نکرده است.

۱. این جمله در متن چایی چنین است: «نوح گفت: أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ: ای شگفتی کردید که آمد به شما پندی از خدای شما بر زبان مردی از شما و از جنس شما» (سوره‌آبادی ۱، ص ۷۶۲، سطرهای ۲ و ۳).

### ۱-۳-۳.

وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ: و چنان پاداش دهیم ما بدکاران را. لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ: ایشان را بود از دوزخ پُستر<sup>۱</sup> آتشین. وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٌ: و از زور ایشان بود پوشش‌های - یعنی لحاف‌های - آتشین (سوره‌آبادی ۳، برگ ۱۷۰ رو). مصحح ثبت نکرده است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۳۱۶، مربوط به صفحه ۷۴۸).

### ۱-۴-۴. تخفیف

۱-۴-۱. سزاوارتر به جای «سزاوارتر»: (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۰۷ پشت): و سزاوارتر بدانکه بندانند اندازه‌های انج فروفرستاده‌است خدای پرسول او ... مصحح ثبت نکرده است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۴۲۳).

### ۱-۴-۲. خذ (= خدا)

آن گروه بودند که معلوم خذ بود که ایشان بنبروند (سوره‌آبادی ۴، برگ ۲۴ پشت): = سوره‌آبادی ۱، ص ۷۸۳، سطر ۲۳). مصحح ثبت نکرده است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۳۳۶).

### ۱-۴-۳. ر (= را)

در لغت عرب دور یاد کنند و از آن بلفظ وُحدان خبر کنند (سوره‌آبادی ۴، برگ ۷۸ پشت): = سوره‌آبادی ۱، ص ۹۰۹، سطر ۲۴). مصحح «دور» را به اشتباه «دور» خوانده است: «۲۴-آید = لن: است/دور = لن: دور» (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۳۹۳).

و ان روز که روز قیامت بود برنگیزیم ایشانز همه (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۲۳ رو): = سوره‌آبادی ۱، ص ۱۰۱۱، سطر ۱۸). مصحح اشاره‌ای به این ضبط نکرده است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۴۴۰).

در لغت عرب دو ر یاد کند انگه از هردو بلفظ وُحدان حکایت کنند (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۲۸ پشت): = سوره‌آبادی ۱، ص ۱۰۲۱، سطر ۱). مصحح اشاره‌ای به این ضبط نکرده است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۴۴۴).

کاربرد «ر» به جای «را» در تعدادی از متون کهن فارسی دیده می‌شود و تلفظ آن احتمالاً «ر» (ra) یا «ر» (ri/e) و یا «ر» (rə) و شاید «ر» (ru/o) بوده است (صادقی ۵، ص ۳۵۲).

از جمله واژه‌هایی که مصوت بلند ā در پایان و وسط آن‌ها مخفف شده، واژه‌های زیر (واژه‌ها از سوره‌آبادی ۴) است:

حوّ به جای حوّا (۵ رو)، مصحح اشاره‌ای به این ضبط نکرده است (ص ۳۳۱۱).

۱. در اصل: پُستر. این جمله در متن چاپی چنین است: «وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ: و چنان پاداش دهیم ما بدکاران را. لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ: ایشان را بود از دوزخ بستر آتشین. وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٌ: و از زور ایشان بود پوشش‌های - یعنی لحاف‌های - آتشین. وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ» (سوره‌آبادی ۱، ص ۷۴۸، سطور ۱۶ تا ۱۹).

خد به جای خدا (۲۴ پشت)، مصحح اشاره‌ای به این ضبط نکرده است (ص ۳۳۳۶).  
هو به جای هوا (۴۷ رو)؛  
فر به جای فرا (۱۱۵ پشت)؛  
جر (= چر) به جای چرا (۱۱۶ رو)؛  
کر به جای کرا (۵۶ رو).<sup>۱</sup>  
در وسط واژه:

آرسته به جای آراسته (۱۱۲ پشت) (مصحح به ضبط نسخه اشاره نکرده است).  
بدنستند به جای بدانستند (۱۱۳ رو) (مصحح به ضبط نسخه اشاره نکرده است).

#### ۵-۱. اشباع

منظور از اشباع «تبدیل مصوت کوتاه به مصوت بلند» است.

#### ۱-۵-۱. آرز به جای از

هرچ در زمین و آسمانست آز آدمی و دیو و پری و فریشته همه آن اؤست (سوره‌آبادی ۳، برگ ۳۱۰ رو)؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۱۰۲۴). مصحح به این ضبط اشاره نکرده است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۴۴۶)؛  
خشنوذ بوذّه ایشان آز وی بثواب و کرامات (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۰۸ پشت)؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۹۷۷).  
مصحح به این ضبط اشاره نکرده است (ص ۳۴۲۴)؛  
آدم گفت بزبان حیا بارخدایا آز تومی‌گریزم (سوره‌آبادی ۲، برگ ۵ پشت)؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۷۳۹، سطر ۴). مصحح به این ضبط اشاره نکرده است (ص ۳۳۱۰).

#### ۲-۵-۱. بیهانه به جای بهانه

برنایان بخانه وی میآمدندی بیهانه<sup>۲</sup> شیر وی. (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۷ پشت)؛ = سوره‌آبادی ۱، ص ۷۶۸، سطر ۱ و ۲). مصحح ثبت نکرده است (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۲۲۷).

#### ۲. برخی واژه‌های کهن با ضبطی متفاوت، از زبان پهلوی

تعدادی از واژه‌های کهن که ریشه در فارسی میانه دارند، به صورت صحیح ثبت نشده‌اند:

۱-۲. کزان و گنگانند (سوره‌آبادی ۴، ۶۵ پشت)، کزان (سوره‌آبادی ۴، ۱۲۶ پشت).

لغت کر در پهلوی با دو I بوده (مکنزی، ص ۲۸۵)، و مصحح به ثبت تشدید توجه نکرده است.

۱. مصحح موارد «هو، فر، چر، کر» را ثبت کرده است.

۲. پهلوی: wihān(ag) (مکنزی، ص ۲۰۰).

## ۲-۲. بذ (= پد = پدر)

سوال گر کافر را استغفار نباید کرد پس چرا ابراهیم خلیل صلواة الله علیه بذ خویش را استغفار کرد گفت واغفر لأبی ... (سوراآبادی ۴، ۱۱۳ پست). مصحح به اشتباه کلمه بر را به جای پد = پدر آورده است (سوراآبادی ۱، ص ۳۴۲۹، ستون یک، ذیل ص ۹۸۶ [صحیح: ۹۸۷] شماره ۷ [صحیح: ۶]). پد در متون دیگر نیز دیده می‌شود و احتمالاً همان pid فارسی میانه است (← صادقی ۵، ص ۳۵۳).

## ۳. واژه‌های مشکول

شماری از واژه‌ها در نسخه مشکول است. این تلفظ‌ها در متن چاپی منعکس نشده است.

### ۱-۳

تعدادی از صورت‌های کهن، که ریشه در فارسی میانه دارند و یا به ریشه باستانی نزدیک‌اند، به شکل اصلی یا تحول‌یافته در این متن دیده می‌شود:

### ۱-۳-۱. نمونه‌هایی از نسخه لایدن (سوراآبادی ۴)

ایشان<sup>۱</sup> (۴۰ پست؛ ۱۰۶ رو؛ ۱۰۷ پست)، و ایشان (۸۰ پست)؛ به<sup>۲</sup>: (۱۹ رو؛ ۲۸ پست؛ ۳۱ پست؛ ۳۴ پست؛ ۳۶ پست؛ ۴۴ رو؛ ۶۴ رو؛ ۷۲ پست؛ ۷۷ پست؛ ۸۱ پست؛ ۸۹ رو؛ ۹۰ پست؛ ۹۰ رو؛ ۹۱ پست)؛ چشمهای<sup>۳</sup> (۱۰ رو؛ ۱۰۶ پست)، چشم (۱۰ رو)، چشم (۶۴ رو)؛ رسانیدی<sup>۴</sup> (۲۳ پست)، می‌رسانیدند (۲۹ رو)، رسانیدم (۶۴ رو)؛ سخن<sup>۵</sup> (۴ پست؛ ۲۶ پست؛ ۷۹ پست؛ ۹۸ رو)؛ سزآ<sup>۶</sup> (۹ رو؛ ۱۱۷ رو)؛ سزآ<sup>۷</sup> (۱۲ پست)؛ نهادند<sup>۸</sup> (۱۹ پست).

### ۲-۳

در نسخه‌ها برخی تلفظ‌های نادر دیده می‌شود.

۱. پهلوی: awēšān (مکنزی، ص ۱۹۰).  
۲. پهلوی: pad «به» (مکنزی، ص ۲۰۰).  
۳. پهلوی: čašm (مکنزی، ص ۲۲۷).  
۴. پهلوی: rasēnīdan «رسانیدن» (مکنزی، ص ۲۴۹).  
۵. پهلوی: saxwan (مکنزی، ص ۲۶۰).  
۶. پهلوی: sazāg (مکنزی، ص ۲۶۲).  
۷. بن فعل «سزیدن» در پهلوی: saz (مکنزی، ص ۲۶۲).  
۸. پهلوی: nihādan «نهادن» (مکنزی، ص ۳۱۷).

۳-۲-۱. نمونه‌هایی از نسخه قونیه (سوره‌آبادی ۳)

در<sup>۱</sup> آن جهان (۱۶۸ رو)؛ گزند<sup>۲</sup> (۱۸۶ رو)؛ از<sup>۳</sup> (۱۸۹ رو)؛ از زور<sup>۴</sup> (۱۷۰ رو)؛ پستان<sup>۵</sup> (۱۷۹ پشت)؛  
پُرهِیزِید<sup>۶</sup> (۱۷۷ رو)؛ همی دُویدی<sup>۷</sup> (۱۷۹ پشت)؛ ورنایان<sup>۸</sup> (۱۷۹ پشت)؛ نهمار (۱۹۰ رو)؛  
می کشند<sup>۹</sup> (۲۸۹ رو)؛ خرید<sup>۱۰</sup> (۲۸۸ پشت).

۳-۲-۲. نمونه‌هایی از نسخه لایدن (سوره‌آبادی ۴)

دشمن<sup>۱۱</sup> (۴ رو)؛ بشت<sup>۱۲</sup> (۵ پشت)؛ خدای (۱۳ پشت)، مُرغزار (۱۷ پشت)؛ امروز<sup>۱۳</sup> (۲۷ رو).

۴.

در نقل نسخه خطی به چاپی پاره‌ای اشتباهات پیش آمده است:

۴-۱. تحیر / نخیز

علی را بر جای خویش بخوابانید و بیرون آمد این آیت بر خویشتن خواند و إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ  
جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا، نگه کرد آن کافران را دید در دهلیز به  
تحیر نشسته و شمشیرها کشیده، در پیش نهاده. رسول مشتی خاک برگرفت بر سرهای ایشان  
می کرد، خدا ایشان را کور گردانید از دیدن رسول. مصطفی می شد تا به در سرای بوبکر، وی را آگاه  
کرد (سوره‌آبادی ۱، ص ۹۴۰-۹۳۹).

۱. پهلوی: dar (مکنزی، ص ۲۴۰).
۲. پهلوی: wizend (مکنزی، ص ۲۹۳).
۳. پهلوی: az (مکنزی، ص ۱۸۳).
۴. «زیر» در پهلوی: azabar (مکنزی، ص ۲۵۳).
۵. پهلوی: pēstān (مکنزی، ص ۲۱۰).
۶. پهلوی: pahrēxtan (مکنزی، ص ۲۱۰).
۷. پهلوی: dawīdan (مکنزی، ص ۲۴۵).
۸. پهلوی: purnāy (مکنزی، ص ۱۹۷).
۹. شناسه سوم شخص جمع مضارع در این متن چند بار به صورت «تند» ضبط شده و در مورد فوق تند آمده است. در پهلوی: ēnd / and (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲، ص ۷۴).
۱۰. خوشه xr در فعل xīrīdan پهلوی در فارسی دری به دو صورت شکسته شده است: نخست خَریدن (xarīdan) و دیگر صورت خریدن (xirīdan). گفتنی است که ضبط اخیر در فرهنگ‌ها ثبت نشده است. در xirīdan مصوت میانجی i به تأثیر از Ī در هجای بعد به وجود آمده است.
۱۱. پهلوی: dušmen (مکنزی، ص ۲۴۳).
۱۲. پهلوی: šustan (مکنزی، ص ۲۶۸).
۱۳. پهلوی: imrōz (مکنزی، ص ۱۸۷).

حال آنکه این لغت یا تصحیف نخیز است یا مصحح غلط خوانده‌است. در همین متن نیز آمده‌است:

وَ خُذُوهُمْ وَ احْضَرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ وَ بگیریید ایشان را و بازدارید ایشان را و بنشینید ایشان را به هر راهی و نخیزگاهی (سوره‌آبادی ۱، ص ۹۱۱-۹۱۰)،  
داستان آن دیوان که فراگرفتند از دون خدا دوستانی چون کافران و دنیاداران چون داستان عنکبوت است که خانه فراتند و در آنجا به نخیز نشیند تا مگس را در دام آرد آن‌گه خون دل او را برکشد پس او را فروگذارد (همان، ج ۳، ص ۱۸۶۲).<sup>۱</sup>

#### ۲-۴.

ایشان تَخْلَفَ کرده بودند از غزو تبوک بسبب خُرماستانه‌ای خویش که وقت بازکردند (= ن) خُرْمَا بود ایشان بازایستادن (= ند) تا آخر ماهها را باز کردند، بدان سبب از غزو بازماندند (سوره‌آبادی ۴، برگ ۱۰۹ پشت).

این جمله در متن چاپی چنین است: «ایشان تَخْلَفَ کرده بودند از غزو تبوک به سبب خورماستانه‌های خویش که وقت بازکردن خورما بود ایشان بازایستادند تا آن خورماها را باز کردند، بدان سبب از غزو بازماندند» (سوره‌آبادی ۱، ص ۹۷۹).

اما مصحح آورده‌است: «۹- خورما هد، لن: خرما؛ ۱۰- کردن لن: کردند / ایستادند لن: ایستادن / آن لن: آخر / کردند هد: کنند» (ص ۳۴۲۵، ذیل ص ۹۷۸ [صحیح: ۹۷۹]، ستون یک). از آنجاکه در بخشی از نسخه‌بدل‌ها شماره سطرها به هم ریخته‌است، باید گفت شماره درست صفحه ۹۷۹ است و شماره سطرهای درست ۴ (به جای ۹) و ۵ (به جای ۱۰) است.  
آنچه به صورت «آن لن: آخر» آمده غلط است. زیرا در نسخه آمده‌است: آخر ماهها (= آن خرماها):

آ (= آن، حذف n پس از مصوت بلند است)، خرماها (= خرما + های جمع است).

«آ» و «ا» به جای «آن» در متن‌های زیر نیز دیده می‌شود:

و نگاه دار تن خویش را و از آکسهائی که می‌خوانند خداوند خویش را (ترجمه و قصه‌های قرآن، ج

۱، ص ۵۶۹؛ نیز در ج ۱، ۵۱، ۲۵۲، ج ۲، ص ۶۶۳، ۹۹۲، ۱۱۹۴)؛

ا زن راست تختی بزرگ (قرآن موزه پارس، ص ۱۰۹)؛

اضافه شدن h پس از مصوت بلند «آ» در واژه خرما مانند سرماه و گرمه است.

۱. نخیز در متن‌های دیگر، مانند لغت فرس، آمده‌است: نخیز: «کمینگاه» باشد (اسدی، ص ۱۱۰).

سرماه: در سرماه‌های سخت سرد به آب سرد غسل کردی (محمدبن منور، ج ۱، ص ۳۱)؛  
 چون سرماه بهار به آخر رسد، آن را برگیرند و پیش آن زمین بروند که خواهند کاشتن (دنیسری،  
 ص ۲۶۳)؛

گرماه (فرهنگنامه قرآنی، ج ۲، ص ۶۴۴).

۳-۴

وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ: و بدانچه بودند که نشانهای ما و بکتاب ما را می‌سُتُو شدند و نکول  
 می‌آوردند<sup>۱</sup> (سوره‌آبادی ۳، برگ ۱۷۲).

مصصح آورده‌است: (( ۱۴- می ... شدند لن: می ستوده شدند یعنی منکر شدند، هد: که  
 برگردیدند و بستوه شدند، قو: ی ستو شدند و نکول می‌آوردند [قسمت دوم با خط تازه]، کا: مر  
 ویستوا شدند انکار کردند. [متن مطابق است با نسخه لی، ظاهراً: می انکار کردند، ای: ویستوه  
 شدند]) (سوره‌آبادی ۱، ص ۳۳۱۹). می بینیم که عبارت «قو» غلط نقل شده‌است.

۴-۴

مالک بفرمود تا شالی زفت در وی پوشانیدند و بندی بر وی نهادند (سوره‌آبادی ۱، ص ۱۱۱۴).  
 مصصح آورده: «۱- شالی = هد: گلیمی / زفت = لن: زور، هد: درشت و زفت و کثیف / پوشانیدند  
 = لن: پوشیدند» (جلد ۵، ص ۳۴۹۰، ستون اول، شماره ۷).  
 اما با مراجعه به نسخه دیوان هند (سوره‌آبادی ۲، برگ ۱۷۵ رو) می بینیم واژه کثیف در نسخه نیامده  
 و به جای آن کهن آمده‌است: «کلیمی درشت و زفت و کهن». عکس نسخه:

مالک بفرمود تا گلیمی درشت

رزفت و کهن در وی پوشانیدند و بندیک بر وی نهادند و بر آب لالاشتری نشانیدند

۵-۴

وَقَالَتْ أُولِيهٖمُ لِأَخْرِيهٖمُ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ: گویند پیشینان ایشان مر پسینان ایشان را  
 نبود شما را بر ما هیچ بهی (سوره‌آبادی ۱، ص ۷۴۷، سطر ۲۲):

جلو واژه پسینان نوشته: «پسینان = لن، هد: پسینان» (ج ۵، ص ۳۳۱۵، ستون دوم). در نسخه  
 لایدن «پسینان» آمده، اما در نسخه دیوان هند «پسینان» آمده و مصصح آن را ثبت نکرده‌است:  
 «گویند پیشینان ایشان مر پسینان ایشانرا» (سوره‌آبادی ۲، برگ ۹ رو). تصویر نسخه دیوان هند:

۱. وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ: و بدانچه بودند که به نشانهای ما و به کتاب ما می‌انکار کردند و بستوه شدند (سوره‌آبادی ۱، ص  
 ۷۵۳).

۲. منظور از «هد» نسخه دیوان هند است.

## کریند پیشینیان ایشان پرعیسینیان ایشانرا

### ۵. درباره واو معدوله، فای اعجمی

از دیگر موارد اشکال کار مصحح، آشنا نبودن با نظام صامت و مصوت‌های فارسی دری است که سبب شده نه حرکات واو معدوله را ثبت کند و نه فای اعجمی را.

### ۱-۵. واو معدوله

«خو» صامتی ملازی لبی است. امروزه تلفظ اصیل آن از بین رفته و با «خ» یکسان شده، بدین شکل که جزء لبی آن از میان رفته و تنها جزء ملازی باقی مانده است (ناتل خانلری، ص ۱۳۳-۱۳۴)، یعنی  $X^{\vee}a$  و  $X^{\vee}\bar{a}$  و  $X^{\vee}i$  و  $X^{\vee}\bar{i}$  در فارسی دری امروز ایران به ترتیب به  $XO$  و  $XI$  بدل شده است (ابوالقاسمی، ص ۲۶۵).

درباره تلفظ «خو» در این نسخه‌ها چند نکته گفتنی است: نخست آنکه این «حرف» در اکثر موارد با هیچ نشانه و حرکتی مشخص نشده، اما در مواردی با ضمه و فتحه و در موارد اندک با کسره مشخص شده و گاه «خو» به «خ» ساده شده است، مانند خاب به جای خواب. مواردی که «خو» با ضمه ضبط شده  $xuw$  تلفظ می‌گردد. مواردی که «خو» با فتحه ضبط شده،  $xaw$  و موارد با کسره نیز  $xiw/xew$  تلفظ می‌شده است.

### خُو (سوراآبادی ۴)

خُوانی (۴ پشت، ۶۳ رو)؛ خُوَاهَن (۴ پشت)؛ خُوَرْدَن (۴ رو)؛ خُوَاهِش (۱۱ پشت)؛ بَخُوَانِید (۱۲ پشت)؛ نَخُوَرْنَد (۳۳ پشت)؛ آبَشخُوَر (۴۰ پشت)؛ خُوِشْتَن (۴۱ پشت)؛ خُوِشْتَن (۱۲۱ پشت)؛ خُوَاسْتَه‌ای (۱۰۵ پشت).

### خُو، خُو

بَخُوَابَانِیدَن (سوراآبادی ۳، برگ ۲۲۶ پشت)؛ خُوَانَد (سوراآبادی ۳، برگ ۲۵۹ رو)؛ خُوَاهَد (سوراآبادی ۳، برگ ۲۸۰ پشت)؛ خُوِش (۲۱ رو)؛ خُوذ (سوراآبادی ۴، برگ ۹۴ پشت).

## ابدال خو به خ

خاب = خواب (۵۶ پست؛ ۵۶ رو؛ ۶۱ رو)؛ خُرْمُ: سوگند خُرْمُ (= خورم) (۵۶ پست)؛ نخريد = نخوريد (۸۸ رو)؛ خشتن = خويشتن (۵۸ رو؛ ۵۹ پست)؛ بسنجيد با خويشتن (سوره‌آبادی ۴، برگ ۵۸ رو).  
مصصح حرکات واو معدوله را ضبط نکرده‌است.

## ۲-۵. فای اعجمی

از میان صامت‌هایی که در فارسی امروز دیده نمی‌شود صامتی است که به صورت «ف» نشان داده شده‌است. این صامت در اصل یک سایشی دولبی واکدار (β) و نزد پیشینیان به فاء اعجمی معروف بوده اما بعدها به ۷ بدل شده‌است. فاء اعجمی در اصل واج مستقلی نبوده و ظاهر شدن آن منوط به بعد از مصوت بوده، اما بعدها با عوض شدن بافت به صورت واج درآمده‌است. به سخن دیگر، «ف» گونه‌ای از «ب» است بعد از مصوت. نظیر آن «ذ» است که گونه «د» است بعد از مصوت. همه مؤلفانی که از حروف زبان فارسی صحبت کرده‌اند، فای اعجمی را ذکر کرده‌اند. بدیع الزمان نطنزی در دستوراللغه «ف» را از حروف خاص فارسی دانسته‌است. خواجه نصیر نیز در معیارالشعار «ف» را ذکر کرده‌است (← صادقی ۲، ص ۲۵۹-۲۶۰).

در نسخه لایدن (سوره‌آبادی ۴) به جز چند مورد، «فا» در همه موارد به صورت «فا» آمده‌است: با سه نقطه: فا ایشان نماید (۵ رو)؛ فاگیرند (۶ رو)؛ فاازان (۱۱ پست)؛ آن سنگ فاجنبیدن آمد (انگه فانالیدن آمد (۱۶ رو)؛ مال بسیار فاهم آورده بود (۱۷ پست)؛ فا تو بکنیم جزا (۱۹ رو)؛ فا سلیمان داد (۲۹ پست)؛ فرا هارون اسپردم نه فا (۳۵ رو)؛ فاازان (۱۰۶ رو)؛ فا زاری آیند (۱۲۰ رو)؛ فاستاند (۱۰۹ رو)؛ فاکنار (۱۱۲ رو)؛ و موارد دیگر.  
با دو نقطه: تن قا شما ندهیم (۱۷ رو).  
با یک نقطه: فا دل ایشان دادند (۲۶ رو)؛ فاازان (۱۰۵ پست)؛ فازین (۱۱۷ رو).  
مصصح همه موارد را به صورت «فا» ثبت کرده‌است.

## نتیجه‌گیری

تفسیر سوره‌آبادی یکی از تفسیرهای مهم و ارزشمند فارسی است که ابتدا قصه‌ها، سپس بخش‌ها و سرانجام کل آن چاپ شده‌است. صورت کامل این متن در پنج مجلد به تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی در ۱۳۸۱ انتشار یافته‌است. در این جستار، جلد دوم تفسیر سوره‌آبادی تصحیح سعیدی سیرجانی ارزیابی و بررسی شده‌است و با ارائه دلیل‌ها و نمونه‌های پرشمار نشان داده شده که این

- تصحیح غیرانتقادی و نامعتبر است و تصحیح دوباره این کتاب به صورت انتقادی ضرورت دارد. مهم‌ترین کاستی‌ها و لغزش‌های سیرجانی در تصحیح عبارت‌اند از:
- ۱) نداشتن مقدمه (شامل معرفی کامل اثر و نسخه‌های مورد استفاده و ترتیب آن‌ها). با همه کوششی که برای شناخت نسخه اساسی متن به کار بردیم، نتوانستیم آن را شناسایی کنیم.
  - ۲) نامشخص بودن شیوه تصحیح: از آنجاکه کتاب مقدمه ندارد، هیچ اطلاعی درباره روش و شیوه تصحیح در دسترس نیست. فقط در آغاز جلد پنجم در برابر کتبه‌نوشت‌ها نام نسخه‌ها نوشته شده است.
  - ۳) عرضه ناقص نسخه‌بدل‌ها: یکی از مهم‌ترین کاستی‌ها در این تصحیح ذکر نکردن نسخه‌بدل‌ها به صورت کامل است. مصحح تنها به ذکر شمار اندکی از اختلاف‌ها بسنده کرده است و همین نکته سبب شده شماری از ضبط‌های کهن و مهم از نظر دور بماند.
  - ۴) ذکر نادرست نسخه‌بدل‌ها: در بعضی موارد نسخه‌بدل‌ها اشتباه ضبط شده‌اند که این خود از اعتبار تصحیح می‌کاهد.
  - ۵) بدخوانی‌ها: مصحح در مواردی با وجود خوانا بودن نسخه، دچار بدخوانی شده است.
  - ۶) نداشتن تعلیقات مناسب و فهرست مطالب.
- خوانش دقیق‌تر نسخه‌های موجود، افزودن مقدمه، تعلیقات و فهرست‌های مناسب به تصحیح پیراسته و شایسته این متن مهم کمک خواهد کرد.

### منابع

- ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- اسدی طوسی، لغت فرس، به کوشش علی اشرف صادقی و فتح‌الله مجتبائی، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۵.
- ترجمه قرآن موزه پارس، به کوشش علی رواقی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۲۵۳۵ (= ۱۳۵۵).
- ترجمه و قصه‌های قرآن، به اهتمام یحیی مهدوی و مهدی بیانی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۸.
- حاجی سیدآقایی، اکرم‌السادات (۱)، «ویژگی‌های زبانی ترجمه تفسیر طبری نسخه چستربیتی»، معارف، شماره ۶۹، صفحه‌های ۳-۳۳، ۱۳۸۸.
- حاجی سیدآقایی، اکرم‌السادات (۲)، «لزوم بازنگری در تصحیح قصص الانبیاء نیشابوری»، ضمیمه ۲۱ آینه میراث، ۱۳۹۰.
- حاجی سیدآقایی، اکرم‌السادات (۳)، «حذف صامت /z/ بعد از مصوت در برخی متون فارسی»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، شماره ۱۲، صفحه‌های ۱۰۹-۱۲۱، ۱۳۹۶.
- دنیسری، شمس‌الدین محمدبن امین‌الدین ایوب، نوادر التبادر لتحفة البهادر، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰.

- سوراآبادی، ابوبکر عتیق (۱)، تفسیر سوراآبادی، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۸۰.
- سوراآبادی، ابوبکر عتیق (۲)، تفسیر سوراآبادی، دست‌نوشت دیوان هند.
- سوراآبادی، ابوبکر عتیق (۳)، تفسیر سوراآبادی، دست‌نوشت قونیه.
- سوراآبادی، ابوبکر عتیق (۴)، تفسیر سوراآبادی، دست‌نوشت لایدن.
- صادقی، علی‌اشرف (۱)، «در باره چند لغت عامیانه فارسی»، سخن، دوره ۲۰، شماره ۴ و ۵، صفحه‌های ۳۸۹-۳۹۴، ۱۳۴۹.
- صادقی، علی‌اشرف (۲)، مسائل تاریخی زبان فارسی، سخن، تهران، ۱۳۸۰.
- صادقی، علی‌اشرف (۳)، «دو تحول آوایی در زبان فارسی (حذف و اضافه شدن صامت «ن» بعد از مصوت‌های بلند)»، مجله زبانشناسی، سال ۱۹، شماره ۲، صفحه‌های ۱-۹، ۱۳۸۳.
- صادقی، علی‌اشرف (۴)، «یک تحول آوایی دیگر زبان فارسی: فرآیند افزوده شدن صامت «ر» به بعضی از کلمات»، مجله زبانشناسی، سال ۲۰، شماره ۱، صفحه‌های ۱-۱۶، ۱۳۸۴.
- صادقی، علی‌اشرف (۵)، «نکاتی در باب ترجمه تفسیر طبری مصحح مرحوم یغمایی»، ارج‌نامه حبیب یغمایی، میراث مکتوب، تهران، صفحه‌های ۳۴۹-۳۶۸، ۱۳۸۵.
- صادقی، علی‌اشرف (۶)، «ویژگی‌های زبانی الانبیه»، ۱۳۸۸، ← در مقدمه هروی.
- صفری آق‌قلعه، علی، نسخه‌شناخت، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۰.
- فرهنگنامه قرآنی، تدوین گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (با نظارت محمدجعفر یاحقی)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
- مایل هروی، نجیب، نقد و تصحیح متون، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.
- مایل هروی، نجیب، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
- محمدبن منور، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، تهران، ۱۳۶۶.
- مکنزی، دیوید نیل، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.
- ناتل خانلری، پرویز، وزن شعر فارسی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۵.
- هروی، ابومنصور موفق‌الدین علی، الانبیه عن حقائق الادویه، چاپ عکسی از روی نسخه خط اسدی طوسی، میراث مکتوب و فرهنگستان علوم اتریش، تهران، ۱۳۸۸.